

اولین نشریه ناشنوایان

گفت و گو با مدیر مسئول شکست سکوت



توضیح

محمد سعیدی از جوانان پرشور و ناشنوایان پر امید و پر کار بود. متأسفانه خیلی زود از میان ما پرواز کرد و رفت. اما یادگاری‌هایی در بین ما گذاشته که تا ابد باقی خواهد ماند و یادآور و تذکار خدمات مرحوم سعیدی می‌باشند. یکی از بهترین ابتکارات او همین مجله شکست سکوت است. دفتر فرهنگ معلولین به پاس این خدمات بزرگ درصدد است راهنمایی برای این مجله منتشر کند و هم اکنون به یاد مرحوم سعیدی مصاحبه با او را منتشر می‌کنیم.

به طور خلاصه خودتان را معرفی نمایید؟

محمد سعیدی متولد ۱۳۴۹ دارای مدرک لیسانس عمران از دانشگاه آزاد اسلامی مشهد هستم و در حال حاضر به عنوان دبیر پسران ناشنوا و مدیر مسئول نشریه شکست سکوت برای ناشنوایان عزیز خدمت می‌کنم.

با توجه به اینکه شکست سکوت اولین مجله سراسری ناشنوایان در ایران است انگیزه و هدف شما در این زمینه چه بوده است؟

این موضوع به پنج سال پیش بر می‌گردد که با آقای روزبه قهرمان تصمیم گرفتیم جهت ارتقای آگاهی و شناساندن توانایی افراد ناشنوا به جامعه و بالعکس مجله ویژه ناشنوایان منتشر کنیم.

از آنجا که مجوزی نداشتیم مجله فوق در محدوده خراسان در دو شماره به چاپ رسانده شده و بعدها، به این نتیجه رسیدیم که مجله را نه فقط برای ناشنوایان خراسان بلکه برای کل ناشنوایان ایران به چاپ برسانیم که در اینجا نیاز به مجوز داشتیم. پس از مکاتبات لازم با فرهنگ ارشاد و اسلامی تهران پس از ۵ سال موفق به گرفتن مجوز شدیم و قبلاً وقتی به کیوسک روزنامه فروشی مراجعه می‌کردم و انواع مجلات را مشاهده می‌کردم با خود می‌گفتم: «چرا ما ناشنوایان باید از داشتن مجله ویژه محروم بمانیم؟ اما حالا به شکر خدا از این به بعد مجله را در لا به لای مجلات دیگر خواهیم دید. در چاپ اول با استقبال شایانی از طرف ناشنوایان و خانواده ایشان مواجه شدم و خوشحال هستم که گام مؤثر و مثبتی برای همدردان عزیزم برمی‌دارم. امیدوارم بتوانم در هر چه بهتر شدن محتوا و کیفیت مجله تلاش نمایم. البته همکاری و همت عزیزان ناشنوا در این زمینه می‌تواند کمک شایانی به ما باشد. ضمناً همین جا لازم می‌دانم از همکاران خوب مجله جاده ابریشم به ویژه جناب آقای خدانشناس و همکاران محترم آن مجله سپاسگزاری و تشکر نمایم که در واقع با همت افراد نیکوکار این مجموعه توانستیم مجله را به چاپ برسانیم.»

به عنوان یک ناشنوا از خواست‌ها و انتظارات ناشنوایان جامعه بگویید؟
اگر بخواهم در این باب توضیح دهم شاید یک کتاب جای گیرد ولی به طور مختصر از زبان همه ناشنوایان به سؤال شما پاسخ می‌دهم. مهمترین خواسته‌های ناشنوایان عبارتند از:

۱- ایجاد شبکه مستقل تلویزیونی برای ناشنوایان کشور در سیمای جمهوری اسلامی ایران البته در این زمینه سال‌های متمادی درخواست‌های پی در پی و اقدامات مکرر انجام شده اما دریغ از گوش شنوا! دریغ از یک برنامه آموزشی و یا فیلم سینمایی به زبان اشاره از طریق شبکه سراسری و دریغ از یک برنامه کودک برای کودکان ناشنوا. البته در حال حاضر در شبکه تهران سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی توسط رابط بیان می‌شود و ناشنوایان دیگر ایران از این برنامه محروم هستند. آیا هفته‌ای یک ربع ساعت اخبار برای ناشنوایان کشور که قریب به یک درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دهند کافی است؟ چند وقتی است که صدای جمهوری اسلامی برای برنامه‌هایی از تلویزیون شامل تصویر زندگی و اخبار ساعت ۱۸ برای ناشنوایان رابط گذاشته است که باز جای

امیدواری است. پیشنهاد بنده این است که اگر در برنامه‌ها و سریال‌ها زیرنویس گذاشته شود برای ناشنوایان بسیار مؤثر خواهد بود.

خانواده‌هایی را سراغ دارم که با داشتن یک یا دو فرزند ناشنوا از نظر مادی در وضعی نیستند که امکانات لازم را برای فرزندان ناشنوا خود تهیه و تدارک ببینند و چون کودک ناشنوا نمی‌تواند از برنامه‌های عادی تلویزیون استفاده کند به ناچار در گوشه‌ای کز می‌کند و در گوشه انزوا استعدادهای او امکان رشد و شکوفایی نمی‌یابد.

۲- استخدام ناشنوایان و رابط ناشنوایان به تعداد کافی در سازمان‌های دولتی به منظور پیگیری و تسهیل کارهای اداری.

یک واقعیت تلخ وجود دارد و آن اینکه بسیاری از ناشنوایان در کشور ما تقریباً تنها هستند و به قشری فراموش شده تبدیل شده‌اند. ما امروزه در زوایای آشکار و پنهان جامعه به ویژه در نحوه رفتار بعضی واحدهای اداری دولتی و خصوصی به وضوح شاهد نادیده انگاشتن حقوق اجتماعی افراد ناشنوا هستیم. ناشنوایی که سرفرازانه از هفت‌خوان آزمون دانشگاهی، گذشته و با سختی زیاد و هزاران امید و آرزو وارد دانشگاه شده است به علت اینکه قادر نیست یک رابط زبان اشاره داشته باشد که بتواند از حرف استاد استفاده کند مجبور است با ناامیدی از ادامه تحصیل منصرف شود. یا ناشنوایی که با هزاران مشقت تحصیل کرده و جویای کار است و با وجود قانون استخدامی ۳٪ معلولین باز در پیچ و خم مراحل گوناگون گزینش اداری و استخدامی مجبور است از حق اشتغال خود صرف نظر کند و جایش را به افراد سالم که شاید از نظر مسئولین مثر ثمرتر هستند، بدهد.

در کشور آمریکا ۲۵۰۰ ناشنوا در یک دانشگاه ویژه ناشنوایان مشغول به تحصیل هستند و تمام استادان و حتی رئیس و کارکنان دانشگاه نیز ناشنوا هستند. چرا نباید در کشور اسلامی ما حداقل امکانات لازم برای تحصیل ناشنوایان که دارای استعدادهای درخشان فراوانی هستند فراهم گردد و به این عزیزان که با سختی تحصیل می‌کنند امکان استخدام و اشتغال داده شود.

۳- تهیه زیرنویس فارسی در تلویزیون

۴- تهیه تلفن تصویری جهت ارتباط دو ناشنوا با یکدیگر

۵- در اختیار گذاشتن سمعک و باتری سمعک به صورت رایگان برای اشخاص ناشنوا.

اینها همه از انتظاران جامعه باصفای ناشنوایان ایران است. آنان انتظار دارند که بچه‌های دارای معلولیت مانند بچه‌های عادی رشد یابند و با شرایط و امکانات یکسان وارد جامعه شوند. جامعه هم باید بداند که یک ناشنوا نیاز به دلسوزی و ترحم سایر افراد ندارد.

در پایان اگر صحبتی دارید بفرمایید؟

از شما تشکر می‌کنم و از همه ناشنوایان و کسانی که با ناشنوایان ارتباط دارند می‌خواهم با نشریه شکست سکوت کمال همکاری را داشته باشند.